



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۶۸-۱۴۳

زباهنگ ناسزا در رمان نوجوان بر اساس رویکرد هایمز (مطالعه موردی مجموعه آبنبات)^۱

زینب شیخ حسینی^۱، مریم جعفرزاده^۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

چکیده

یکی از گونه‌های زبان در فرهنگ عامیانه ناسزا است که بخش جدایی‌ناپذیر فرهنگ و زبان آدمی بوده و هست و از آن می‌توان به‌عنوان زباهنگ یاد کرد. «زباهنگ» درحقیقت نمایش فرهنگی از یک زبان است و رابطه بین زبان و فرهنگ را نشان می‌دهد. در این میان، یکی از شیوه‌های رایج زبانی، داستان طنزآمیز است که منبع مناسبی برای شکل‌گیری فرهنگ در جامعه است و می‌توان با بررسی زبان داستان، فرهنگ آن جامعه را بررسی کرد. بر این اساس، پژوهش حاضر، به بررسی زباهنگ ناسزا در مجموعه طنز «آب نبات» نوشته مهرداد صدقی پرداخته‌است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با هدف طبقه‌بندی محتوایی ناسزاهای و تحلیل انگیزه استفاده از آن‌ها به بیان کارکردهای ناسزا پرداخته‌است تا نشان دهد استفاده از ناسزا در این مجموعه طنز متناسب با نوع اثر و مخاطب آن است یا خیر؟ برای انجام این پژوهش، نخست با مطالعه سه جلد رمان آب نبات، دوپست و پنجاه ناسزا گردآوری شد و سپس داده‌ها بر پایه الگوی هایمز (Hymes, 1967) تحلیل شد. از جمله یافته‌های این مقاله این است که کارکردهای طنز

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2023.41436.2219

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088833.1402.15.48.12.9

^۲ استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده حضرت نرجس (س)، دانشگاه ولی عصر رفسنجان، کرمان، ایران؛ z.sheykhhosseini@vru.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)؛ Jafarzadeh@grad.kashanu.ac.ir

در این داستان بیشتر شامل طنز، خشم، سرزنش و تحقیر است که نشان می‌دهد نویسنده از ناسزا فقط برای طنزآمیز کردن متن استفاده نکرده است ولی طنز مهم‌ترین انگیزه نویسنده از به کارگیری طنز است. اگرچه ناسزا در آثار طنز امری طبیعی است؛ ولی با توجه به نقش مهم داستان در ایجاد فرهنگ مناسب اجتماعی و تأثیر آن در سبک زندگی نوجوان، نویسندگان رمان کودک و نوجوان باید به آن بیشتر توجه کنند. واژه‌های کلیدی: زباهنگ، ناسزا، مجموعه آب نبات، صدقی، هایمز.

۱. مقدمه

زبان نقش‌های متفاوتی دارد و ارزش این نقش‌ها در همه جوامع یکسان نیست؛ ولی نقش ارتباطی را می‌توان یکی از مهم‌ترین نقش‌های زبان دانست که به کمک آن می‌توان به شناسایی یا نشانه‌گذاری مقوله‌های اجتماعی، ایدئولوژی‌های سیاسی-اجتماعی، حفظ و دست‌کاری روابط و شبکه‌های اجتماعی فردی و اعمال کنترل اجتماعی پرداخت. به باور ترویکه (Troike, 2003) زبان آشکارا در کنترل اجتماعی نقش ایفا می‌کند، زیرا رسانه‌ای است که به صورت مستقیم به مردم کارهایی را که باید انجام دهند، بیان می‌کند (Troike, 2003, p. 33). یادگیری زبان برای کودکان و نوجوانان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ‌سازی و روند جامعه‌پذیری آنهاست و کودک یا نوجوان می‌تواند از آن برای کشف محیط اجتماعی و روابط نقشی خود از آن بهره‌گیرند. به باور فاولر (Fowler, 1996)، معانی واژه‌ها در یک زبان دانش تثبیت‌شده جامعه است. کودک ارزش‌ها و مشغله‌های فرهنگ خود را اغلب از طریق یادگیری زبان می‌آموزد: زبان ابزار اصلی اجتماعی شدن است. فرآیندی است که طی آن فرد، خواه ناخواه، با نظام باورهای جامعه که اتفاقاً در آن زاده شده است، همسو می‌شود (Fowler, 1996, p. 30). یادگیری غیر رسمی اغلب به صورت ناخودآگاه و از طریق کانال‌های ارتباطی غیر کلامی انجام می‌گیرد. بسیاری از رفتارهای کلامی کودکان و نوجوانان با قانون‌ها آموخته می‌شود و در این سطح به‌شکلی ناخودآگاه بر اساس مشاهدات غیر رسمی تنظیم شده است. داستان یکی از این کانال‌های غیر رسمی است که کودک یا نوجوان از طریق آن زبان را می‌آموزد و به او کمک می‌کند که روند جامعه‌پذیری خود را سریع‌تر شکل دهد. به باور ترویکه (Troike, 2003)، داستانهایی که به کودکان گفته می‌شود، اغلب برای کنترل رفتار آنها است (Troike, 2003, p. 33). داستان طنزآمیز یکی از شیوه‌های رایج زبانی برای کاهش انتقاد است و نویسنده در آن مطالبی را بیان می‌کند که اگر مستقیماً مطرح شود، ممکن است، قابل قبول نباشد. می‌توان آثار طنزآمیز را منبع مناسبی برای شکل‌گیری فرهنگ در جامعه دانست و با بررسی زبان، فرهنگ آن جامعه را بررسی کرد. پیشقدم (Pishghadam,

(2012) رابطه بین زبان و فرهنگ را با مفهوم «زبانگ» مطرح می‌کند. به باور وی، «زبانگ» از دو واژه «زبان» و «فرهنگ» پدید آمده و «نمایش فرهنگی از یک زبان» معرفی می‌شود (Pishghadam, 2012, p. 52) و پس از آشکارسازی و تشخیص زبانگ‌ها می‌شود رفتارهای فرهنگی سالم را از رفتارهای فرهنگی ناسالم تشخیص داد و آن‌گاه تصمیم به تغییر و یا بهبود آن رفتارهای فرهنگی ناسالم گرفت (همان، ۵۹). ناسزا یکی از گونه‌های گفتار در فرهنگ عامیانه جامعه است که کاربرد آن در دهه‌های اخیر در متن‌های طنزآمیز رشد چشمگیری داشته‌است. پژوهش حاضر، به مطالعه زبانگ ناسزا در مجموعه «آب نبات» صدقی بر پایه الگوی هایمز (Hymes, 1967) می‌پردازد تا افزون بر طبقه‌بندی محتوایی ناسزاها در این مجموعه، انگیزه استفاده از آن‌ها تحلیل شده و به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که کارکردهای ناسزا در این رمان چیست؟ با توجه به رواج ناسزا در ادبیات به‌عنوان شگرد طنزپردازی، نویسنده به چه میزان از ناسزا برای خنداندن مخاطب استفاده کرده‌است؟ آیا بهره‌گیری از ناسزا در این مجموعه طنز متناسب با نوع اثر و مخاطب آن است؟ نویسنده از چه راهکاری برای کاهش آسیب‌های به‌کارگیری این زبانگ بر مخاطب خود بهره گرفته‌است؟

۲. پیشینه پژوهش

۲.۱. ناسزا در زبان

زبان یکی از نمودهای فرهنگ است که افزون بر بیان اندیشه‌های فرهنگی، روشی برای بیان احساسات و برقراری تعامل با دیگران است. یکی از راه‌های آگاهی از جوامع خود و دیگری، آموختن زبان است؛ زیرا دانش زبانی به ما کمک می‌کند از دیدگاه دیگران نسبت به فرهنگ خود آگاه شویم و به شناخت بهتر از خود و دیگران دست یابیم (Farsian, & Saadatnejad, 2020). زبان به تفکر گویندگانش شکل داده و آن را کنترل می‌کند. بازتاب‌دهنده جهان‌بینی آن‌هاست و بی‌گمان رد پای فرهنگ و روحیات اهالی هر جامعه زبانی را می‌توان در زبان آن‌ها یافت؛ به گونه‌ای که «با واکاوی دقیق هر زبان می‌شود تا حدی به فرهنگ پشت آن پی برد» (Pishghadam, 2012, p. 52). پیشقدم و کرمانشاهی (Pishghadam & Kermanshahi, 2016) علم واکاوی و بررسی زبانگ‌ها را «فرهنگ‌کاوی زبان» می‌نامد. آن‌ها بر این باورند که مجموع چندین زبانگ، تصویری کلی‌تر از فرهنگ یک جامعه در اختیار فرهنگ‌کاوان قرار می‌دهد. با توجه به اهمیت زبان و واژه‌ها و تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری شناخت و در نهایت، تغییر رفتار افراد، به نظر می‌رسد آشنایی با واژه‌های ارزشی در زبان فارسی می‌تواند به ما در شناخت بهتر جامعه، فرهنگ و عوامل مؤثر بر آن‌ها یاری رساند (Pishghadam & kermanshahi, 2016).

28 (p). بررسی و شناخت گونه‌های زبانی نامعیار همان اندازه که گونه‌های زبان معیار اهمیت دارد، قابل توجه است. چراکه «بسیاری از احساسات و عواطف انسانی بدون گونه‌های نامعیار بیان‌ناپذیرند و به نظر می‌رسد نمی‌توان در جمعی دوستانه حضور داشت ولی گونه‌ای نامعیار را به کار نبرد» (Sarli, 2008, p. 104). ناسزا یکی از گونه‌های زبانی نامعیار در جامعه است که بخشی از گنجینه گفتاری جامعه زبانی را تشکیل می‌دهد. «ناسزا کلامی است که هم تا حد بسیار زیادی به فرهنگ مرتبط است و هم به عواطف ارتباط دارد» (Omid Salar, 1995, p. 342)؛ بنابراین بررسی ناسزا به‌عنوان یکی از گونه‌های زبانی می‌تواند به روشن‌تر شدن رابطه میان زبان و فرهنگ یاری رساند، بر اساس مدل هایمز (Hymes, 1967) انگیزه افراد از کاربرد ناسزا با توجه به ملاحظات فرهنگی قابل شرح است. بر اساس این الگو، کارکردهای ناسزا در رمان بررسی شده، مشخص می‌گردد.

۲.۲. مرور پژوهش‌های پیشین

پیشینه این پژوهش در سه بخش خلاصه می‌گردد. بر اساس کتاب‌ها و مقاله‌های مربوط، در بخش نخست به پژوهش‌های مرتبط با دشواژه‌ها و دشنام‌ها اشاره می‌شود. پس از آن منابعی که روش هایمز را در پژوهش‌های خویش به کار برده‌اند، معرفی می‌گردد و در بخش پایانی، پژوهش‌هایی که درباره رمان «آب نبات» نوشته شده‌اند، معرفی می‌گردد.

افراز بروجنی (Afrāz Borujeni, 2011) در پایان‌نامه خود با نام «بررسی ساختار محتوایی و زبانی واژگان تابو در برخی از داستان‌های معاصر فارسی» تلاش کرده ارتباط واژگان تابو را با متغیرهایی همچون طبقه اجتماعی و جنسیت کاربران زبان بررسی کند و ساختار این گونه زبانی را از جنبه دستوری و بلاغی تحلیل کند. به باور نویسنده، طبقه‌های اجتماعی تحصیل کرده و مرفه کمترین میزان کاربرد زبان بی‌ادبانه را دارند و طبقه‌هایی مانند زندانی‌ها، زنان و مردان فقیر و همچنین شخصیت‌های نظامی داستان‌ها، برای تأمین نیازهای زبانی خویش به راحتی این واژگان ممنوع را به کار می‌برند.

«بررسی میزان کاربرد دشواژه‌ها در برنامه‌های طنز سیمما» عنوان مقاله‌ای است که مدرس خیابانی (Modarres Khiyabani, 2013) در آن میزان رعایت نزاکت زبانی در مجموعه‌های طنز سیمما را بررسی کرده است. بنا به یافته‌های پژوهش، اگرچه تعداد دشواژه‌ها در مقایسه با کل واژه‌ها اندک است؛ ولی موادی به چشم می‌خورد که بر اساس عواملی مانند سن، جنسیت و رابطه شرکت‌کنندگان در مکالمه، بار عاطفی منفی دارد.

فرزانی و طامه (Farzami, 2020 & Tammeh) در مقاله «نام ابزارها و کاربرد و طبقه‌بندی آن‌ها در دشنام‌های فارسی» به بررسی دشنام‌هایی پرداخته‌اند که با واژه‌های پایه‌ای که به طبقه ابزارها تعلق دارند، ساخته شده‌اند و ارتباط معنایی میان نام آن ابزارها و دشنام‌ها را بررسی کرده‌اند. بر مبنای یافته‌های پژوهش، بیشترین حوزه دشنام‌ها در ابزارهای چوبی، ظروف و وابسته‌های آن‌ها، ابزارهای مربوط به خانه و وابسته‌ها، ابزارهای قمار و سرگرمی، ادوات جنگی، و ابزارهای مربوط به زین و یراق چارپایان است. دشنام‌های ساخته شده با ابزارهای این حوزه‌ها کاربردهای متفاوتی دارند و از درجه‌های رکیک‌بودن و فراوانی متفاوتی در جامعه برخوردارند.

بیشترین ارتباط مقاله پیش‌رو با مقاله مهرابی و بختیاری (Mehrabi, 2021 & Bakhtiari) با عنوان «زبان‌نگ ناسزا در فارسی و معادل‌های ترجمه شده انگلیسی بر اساس الگوی هایمز، مطالعه موردی پیکره زبانی رمان دایی جان ناپلئون مقوله ناسزا را در دو متن فارسی و انگلیسی» است. نویسندگان هدف از زبان‌نگ ناسزا را بیان تحقیر، بیان ترحم به گونه‌ای منفی، طعنه، پرخاش، عصبانیت و حتی آرزو و تمنای منفی می‌دانند که با نفرین هم ارتباط دارند. بررسی ناسزا و نیز استفاده از الگوی هایمز (Hymes, 1967) وجه اشتراک این پژوهش با مقاله یادشده است؛ آن‌چه پژوهش یادشده را از مقاله حاضر متمایز می‌سازد، این است که مهرابی و بختیاری با بررسی ترجمه فارسی و انگلیسی رمان دایی جان ناپلئون، تفاوت‌های زبانی ناشی از تفاوت فرهنگی را در زبان مبدأ و مقصد تبیین کرده‌اند. در واقع، نویسندگان با استفاده از الگوی هایمز (Hymes, 1967) کوشیده‌اند، اهداف به کارگیری ناسزا را در زبان فارسی شناسایی کرده و دشواری‌های ترجمه آن را بیان کنند تا این پژوهش منجر به شکل‌گیری راه کارهایی برای ارائه معادل‌های ترجمه‌ای گردد. در این پژوهش، اگرچه رمان دایی جان ناپلئون به عنوان یک اثر طنز جدی معرفی گردیده است؛ ولی بعد طنز آمیز آن نادیده گرفته شده است و حتی در انگیزه‌های نویسنده از بیان ناسزا نیز نشانی از طنز یافت نمی‌شود. با توجه به اینکه در دهه‌های اخیر بهره‌گیری از فحش و ناسزا در آثار طنز به عنوان شگردی برای خنداندن مخاطب یاد می‌شود، در پژوهش حاضر، متن طنز آمیز برخلاف دایی جان ناپلئون که طنز بزرگ سال است، از میان آثار نوجوان انتخاب شده تا با استفاده از الگوی هایمز (Hymes, 1967)، افزون بر تبیین انگیزه‌های ناسزا، میزان به کارگیری آن به عنوان ابزاری برای خنداندن مخاطب مورد بررسی قرار گیرد و ضمن شناسایی آسیب‌های ناسزا- حتی به عنوان شگردی طنز آمیز- راهکار نویسنده برای جلوگیری از تأثیر ناسزا بر مخاطب نوجوان تحلیل شود.

در ادامه به دو نمونه از پژوهش‌هایی که از الگوی هایمز بهره گرفته‌اند، اشاره می‌گردد. پیشقدم و همکاران (Pishghadam et al., 2014) در پژوهشی با عنوان «نگاهی جامعه‌شناختی

به کنش گفتاری نفرین: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی» به بررسی کنش گفتار نفرین در دو زبان فارسی و بر اساس الگوی هایمز پرداخته‌اند. این پژوهش، بیانگر بهره‌گیری فراوان از نفرین هنگام عصبانیت در فرهنگ ایرانی است که انگلیسی‌زبانان در موقعیت‌های مشابه به‌جای نفرین از فحش و ناسزا بهره می‌گیرند. همچنین، قربان‌پور آرانی و همکاران (Ghorbanpoor Arani et al., 2017) در مقاله «بررسی کارکرد اجتماعی-فرهنگی ماشین‌نگاره‌ها بر اساس مدل قوم‌نگاری زبانی هایمز» بیان کرده‌اند که ماشین‌نگاره‌ها با هشت عنصر موقعیت مکانی، ماهیت نویسندگان، هدف، قالب زبانی، لحن کلام، نوع کانال ارتباطی، هنجارها و ژانر خاص خود پیام‌ها را منتقل می‌کنند.

در زمینه رمان مورد بررسی نیز باید گفت تنها پژوهشی که تاکنون در مجموعه «آب‌نبات» انجام شده مقاله «طنز و خواننده نهفته در مجموعه آب‌نبات صدقی» است که شیخ حسینی (Sheikhhosseini, 2020) در آن بیان کرده‌است که برجسته‌ترین عنصر در آفرینش خواننده نهفته، سبک است و نویسنده توانسته‌است مخاطب را به درون متن فراخواند و او را همراه با شخصیت‌های داستان بخنداند. این مقاله از نظر متن انتخاب‌شده با مقاله حاضر یکسان و در موضوع متمایز است.

به هر روی، توجه به رمان نوجوان و تحلیل دشنام‌های آن به‌عنوان گونه زبانی نامعیار از آن جهت که در شناخت فرهنگ و زبان نوجوان مؤثر است و نیز امکان آسیب‌شناسی زبان نوجوان را فراهم می‌سازد، قابل توجه است که این امر در هیچ‌یک از مقاله‌ها و پژوهش‌های مورد اشاره، بررسی نشده‌است.

۳. روش انجام پژوهش

داده‌های پژوهش حاضر، به‌شیوه کتابخانه‌ای و بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی گردآوری شده‌است. پس از بررسی اجمالی تاریخچه موضوع و دیدگاه‌های مختلف در این زمینه، داده‌های مورد نیاز یادداشت‌برداری شد و سپس با مطالعه متن رمان سه جلدی «آب‌نبات» داده‌های پژوهش گردآوری شد. دویست و پنجاه ناسزا از کتاب استخراج گردید و براساس موضوع طبقه‌بندی شد. در نهایت، تعداد ناسزاهای ناظر بر هر مضمون و درصد مربوط به هر یک استخراج شد تا نشان دهد انواع ناسزا در رمان آب‌نبات در کدام عنوان‌ها است. پس از آن، برای یافتن اهداف ناسزاهای بار دیگر دویست و پنجاه ناسزا مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس مدل هایمز در بیان نوع هدف ارزیابی شدند. مدل هایمز امکان واکاوی گفتمان‌های مختلف را به پژوهشگر می‌دهد و عوامل

فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء(س)، سال پانزدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۴۰۲ / ۱۴۹

مؤثر بر تعامل افراد را بررسی می‌کند. در مرحله ارزیابی، ناسزاها برای اطمینان از درستی یافته‌های پژوهش، دو ارزیاب داده‌های پژوهش را بررسی کردند. دو ارزیاب دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی داشتند. پس از ارزیابی، میزان توافق ارزیابان با ضریب کاپا^۱ در نرم افزار اس.پی.اس.اس نسخه ۲۶ تجزیه و تحلیل شد. جدول (۱)، یافته‌های میزان توافق دو ارزیاب را نشان می‌دهد:

جدول ۱: میزان توافق

ردیف	ارزیاب ۲															مجموع
	هشدار	تفریط	تفاهت	ندامت	تفاهت	تهدید	تفاهت	تفاهت	تفاهت	تفاهت	تفاهت	تفاهت	تفاهت	تفاهت	تفاهت	
۷	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
۱۹	۰	۰	۱۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۹
۲۲	۰	۰	۴	۱۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۲
۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
۷	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷
۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۱۰
۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳
۲۵	۰	۰	۰	۵	۰	۰	۰	۰	۰	۲۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۵
۱۸	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۷	۰	۰	۰	۰	۱۸
۶۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۶۵	۰	۰	۰	۰	۶۶
۱۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰	۰	۳	۰	۱۳
۱۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۷	۰	۰	۱۱
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱
۲۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۰	۰	۱۹	۰	۲۳
۱۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۷	۱۱
۲۴۹	۵	۱	۲۴	۲۳	۱	۷	۱۱	۳	۲۴	۲۸	۶۵	۱۳	۱۱	۱	۲۲	۲۴۹

^۱ Kappa

عواملی که در مدل هایمز (Hymes, 1967) بیان می‌شوند مشتمل اند بر: ۱. موقعیت مکانی و زمانی؛ ۲. شرکت کنندگان؛ ۳. هدف؛ ۴. ترتیب عملکرد/گفتمان؛ ۵. لحن؛ ۶. ابزار گفتمان؛ ۷. قوانین گفتمان؛ ۸. نوع گفتمان.

یک- موقعیت (صحنه): موقعیت و صحنه، زمان و مکانی است که گفتمان در آن شکل می‌گیرد (Hymes, 1967, p. 21). به باور ترویک (Troike, 2003) موقعیت نه تنها شامل موقعیت فیزیکی است؛ بلکه شامل زمان روز، فصل‌های سال و هر ترتیبی که مرتبط با موقعیت و کنش باشد نیز می‌شود. پیشقدم و همکاران (Pishghadam et al., 2014) موقعیت و صحنه را با توجه به شرایط حاکم بر گفتمان به دسته‌های عمومی، رسمی و خصوصی و غیر رسمی گروه‌بندی کرده‌اند (Pishghadam et al., 2014, p. 51).

دو- شرکت کنندگان: شرکت کنندگان متشکل از گویندگان و شنوندگان/فرستنده و گیرنده حاضر در گفتمان اند (Hymes, 1967, p. 21).

در این مرحله سن، جنسیت، ملیت و روابط میان افراد شرکت کننده در گفتمان باید مشخص شود. بر اساس روابط قدرت و فاصله‌ای که میان شرکت کنندگان وجود دارد، چهار حالت برای این مرحله می‌توان متصور شد: الف) هم‌تراز و رسمی (دو پزشک در محل کار)؛ ب) هم‌تراز و غیر رسمی (دو دوست)؛ ج) نابرابر و رسمی (مدیر و کارگر در کارخانه)؛ د) نابرابر و غیر رسمی (معلم و دانش‌آموز) (Pishghadam & Firoozian Pour Esfahani, 2017, p. 13).

سه- هدف: هدف، نشان‌دهنده غایت و مقصود یک گفت‌وگو است (Hymes, 1967, p. 21). هدف بیانگر نیت نهفته در بیان یک عبارت است که در هر گفتمان می‌تواند در شرایط مختلف دچار تغییر شود (Maghsoudi, 2021).

چهار- ترتیب عملکرد: توالی کنش یا کنش‌های گفتاری ترتیب وقایعی است که در یک رویداد ارتباطی رخ می‌دهد. در این جا، دو جنبه کاملاً مرتبط از کنش گفتاری با هم گروه‌بندی می‌شوند: شکل، و محتوای آنچه گفته شده است (Hymes, 1967, p. 24). در ترتیب عملکرد در واقع هر عمل شرکت کننده، صحنه را برای اقدام شرکت کننده بعدی فراهم می‌سازد.

پنج- لحن: لحن شیوه‌ای است که عمل گفتمان در آن انجام می‌شود (Hymes, 1967, p. 24) و می‌تواند دل‌سرد کننده، مهربان، طعنه آمیز، طنز آلود، دوستانه، خصمانه، یا تهدید آمیز و مواردی از این قبیل باشد. بهره‌گیری از تنوع کلامی یا سرنخ‌های غیر کلامی مانند چشمک و یا ویژگی‌های زبان‌شناختی مانند (دمیدگی) می‌تواند نوع گفتمان را برای ما روشن سازند (Troike, 2003).

شش- ابزار: ابزار گفتمان روشی است که با استفاده از آن انتقال گفتمان انجام می‌پذیرد. ابزار می‌تواند شامل یک کانال ارتباطی زبان به صورت شفاهی، نوشتاری، تلگرافی یا علامت‌دادن باشد (Hymes, 1967, p. 24). پیشقدم و همکاران (Pishghadam et al., 2014) ابزار گفتمان به دو دسته نوشتاری و گفتاری دسته‌بندی می‌شود (Pishghadam, et al., 2014, p. 51).

هفت- قوانین گفتمان: قوانین گفتمان بیانگر آن است که کاربرد زبان در اجتماع انسانی در قالب قوانین و هنجارها درک‌پذیر است. این قوانین تابع نظام اعتقادی جامعه‌اند (Hymes, 1967) و در قالب رفتارها و مشخصه‌هایی نمایان می‌شوند که می‌توان با توجه به یک گفتمان خاص آن را درک کرد (Troike, 2003). برای نمونه، قطع کردن حرف دیگری یا رعایت اصول ترتیب در صحبت کردن، با صدای بلند صحبت کردن، زمزمه کردن و مانند آن از مشخصه‌های توصیف‌کننده یک گفتمان است (Hymes, 1967, p. 24).

هشت- نوع گفتمان: به باور باومن (Bauman, 2000; Qouted in Pishghadam et al., 2020) نوع گفتمان مشتمل است بر انواع مختلف کنش‌های گفتاری، موقعیت‌ها و ساختارهای گفتاری که چارچوب یک گفتمان را شکل می‌دهند (Bauman, 2000; quoted in Pishghadam, Reza et al., 2020, p. 176) می‌توان انواع گوناگونی مانند شعر، ضرب المثل، معما، سخنرانی، اسطوره، داستان، گفتگو و مکالمه برای یک گفتمان در نظر گرفت (Troike, 2003).

۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد از بین دویست و پنجاه واژه یا عبارات ناسزا که در کتاب آب نبات آمده، بیشترین میزان استفاده از ناسزا مربوط به طبقه حیوانات است که با فراوانی نود مورد، ۳۶ درصد از کل داده‌ها را در بر می‌گیرد. در رده دوم فراوان‌ترین ناسزاها از آن شاخه لعن و نفرین است. فراوانی این شاخه چهل و نه مورد و شامل ۱۶.۲ درصد از کل ناسزاهاست. پس از آن دسته عمومی با سی و هفت داده، ۱۴.۸ درصد را داراست. همچنین نارسایی‌های عقلی با سی و چهار مورد، ۱۳.۶ درصد از داده‌ها را در بر می‌گیرد. سپس، شاخه‌های صفات ناپسند اخلاقی، حیوانات- خانواده و جسمی به ترتیب با درصدهای ۱۳، ۷ و ۵ در دسته‌های بعدی قرار می‌گیرند. پس از آن شاخه جنسیت و آیین و مذهب با فراوانی برابر، ۴ درصد از کل ناسزاها را در بر می‌گیرد. همچنین دفع، شغل، ناموسی با فراوانی برابر، ۲ درصد و ناهنجاری‌های اجتماعی با ۱ درصد، جزء کمترین دسته ناسزا در این کتاب است. در ادامه، جدول انواع ناسزا با ارائه میزان فراوانی و درصد انواع آمده‌است.

جدول ۲: انواع ناسزا در کتاب آب‌نبات

شماره	نوع طبقه‌بندی داده‌ها	نمونه	فراوانی	درصد فراوانی
۱	حیوانات و قرائن حیوانی	گاو، خر، سگ، تشی، میمون، شغال، مگس، پشه، هشه حیوان و ...	۹۰	۳۶٪
۲	لعن و نفرین	مرگ، خاک، برسرشدن، ذلیل شدن و ...	۴۹	۱۹٫۶٪
۳	نارسایی‌های عقلی و ذهنی	دیوانه، بی‌شعور، نفهم،	۳۴	۱۳٫۶٪
۴	صفات ناپسند اخلاقی	هرزه چنی، فضولی، مفت‌خوری، شلختگی و ...	۱۳	۵٫۲٪
۵	حیوانات-خانواده	پدرسگ، کره خر	۷	۲٫۸٪
۶	جسمی	قدپست، گامبو، چمبه و ...	۵	۲٪
۷	جنسیت	پسرا شیرن، مردا آدم نیستن و ...	۴	۱٫۶٪
۸	آیین و مذهب	لاکردار، نامرد و ...	۴	۱٫۶٪
۹	دفع	-	۲	۰٫۸٪
۱۰	شغل	پالان دوز	۲	۰٫۸٪
۱۱	ناموسی	ای خواهر مادر	۲	۰٫۸٪
۱۲	ناهنجاری‌های اجتماعی	دزد	۱	۰٫۴٪
۱۳	عمومی	به تو چه؟ غلط کردی، آت و آشغال	۳۷	۱۴٫۸٪

۴. ۱. تحلیل یافته‌ها بر اساس مدل هایمز

۴. ۱. ۱. موقعیت مکانی و زمانی

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، موقعیت شامل یک موقعیت فیزیکی یا زمانی است که گفت‌وگو در آن رخ داده‌است و هنگام تحلیل یک گفتمان، نخستین چیزی که به آن توجه می‌شود، موقعیتی است که آن مکالمه خاص در آن رخ داده‌است. از این جهت، موقعیتی که ناسزا در آن بیان می‌شود، نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. به باور جی (Jay, 2000) تعیین توهین‌آمیز بودن یک واژه بدون بررسی زمینه غیر ممکن است (Jay, 2000, p. 148). از دید کالپر (Culpeper, 2011) در بی ادبی هدف از کنش در بیشتر موارد حمله به وجهه است و تعامل‌کننده در فرایند ارتباط از واژه‌ها و پاره‌گفته‌هایی بهره می‌گیرد که سبب حمله به وجهه می‌شوند. کالپر (Culpeper, 2011) بی ادبی را شامل بی ادبی ذاتی و بی ادبی کاذب می‌داند. در بی ادبی ذاتی، برخی از اعمال به‌طور ذاتی وجهه را به خطر می‌اندازند و بی ادبانه به شمار می‌آیند. این نوع بی ادبی هنگامی رخ می‌دهد که شخص مرتکب یک فعالیت ضد اجتماعی شود و به بیان دیگر فقط بر جنبه فردی متقابل تأکید دارد و عامل بافت را نادیده می‌گیرد. بی ادبی کاذب نوعی بی ادبی و یک شوخی کنایه‌آمیز است و در آن گوینده قصد ناراحت کردن مخاطب را ندارد و همبستگی در رابطه میان فردی را نیز نشان می‌دهد. برای نمونه، ممکن است برخی واژه‌ها که در حالت معمولی دشواری به شمار می‌آیند، در جمع دوستان صمیمی استفاده شده و بار معنایی منفی نداشته باشند؛ یعنی برخی رفتارها می‌توانند در بافتی خاص بی ادبانه انگاشته شده و در بافتی دیگر خنثی یا مثبت تعبیر شوند (Culpeper, 2011, p. 117).

ناسزا در مجموعه آب‌نبات بیشتر در موقعیت غیر رسمی / خصوصی و بین اعضای خانواده یا همسایگان بیان می‌شود و بیشتر با شوخی همراه است که بیانگر همبستگی رابطه بین افراد در این مجموعه است و در بسیاری از موارد نمی‌توان آن را بی ادبی انگاشت. این داستان در فضای دهه‌های ۵۰ تا ۶۰ در بجنورد به تصویر کشیده شده‌است و شاید بتوان گفت در فضای فرهنگی آن سال‌ها ناسزاگویی در بین افراد بیشتر جنبه عادت داشته تا اینکه افراد بخواهند به وجهه یک‌دیگر حمله کنند.

۴. ۱. ۲. شرکت‌کننده‌ها

یکی دیگر از عوامل فرازبانی که هایمز (Hymes, 1967) برای برقراری ارتباط بیان می‌کند، شرکت‌کنندگان هستند. در داستان آب‌نبات افرادی که در بهره‌گیری از زبانه‌نگ ناسزا مشارکت داشته‌اند، نسبت به یک‌دیگر در چهار حالت هستند:

یک - هم تراز و غریبه (رسمی):

۱. الف) محسن / پسر غریبه: مرض داری؟ توشلوات مگژ داری؟ (Sedghi, 2015, p. 225).

ب) عمه / ناشناس: مردا آدم نیستن (Sedghi, 2013, p. 46).

پ) دوچرخه سوار/محسن: کره خریا پایین (Sedghi, 2018, p. 130).

دو - هم تراز و صمیمی (غیر رسمی):

۲. الف) خواهر / برادر: می دانست الان هر دو به او خواهند گفت: خاک بر سرت (Sedghi, 2015, p. 200).

ب) محسن / دوست: گفتم قلاده سگ بستنی؟ فرهاد که ناراحت شده بود، گفت: دهاتی این یقه مارشاله (Sedghi, 2013, p. 92).

پ) خواهر/برادر: خاک بر سرت! معلوم شد اون دیوانه هه یم خودتی (Sedghi, 2018, p. 100).

سه - نابرابر و غریبه (رسمی):

۳. الف) دانش آموز/ همسر معلم: «احساس کردم الان عین مرغ به آن‌ها نوک می‌زند» (Sedghi, 2015, p. 20).

ب) پیرمرد/ عراقی‌ها: «چنان آن‌ها را با لگد و سیلی می‌زند که به صدام بگویند: الخر» (Sedghi, 2013, p. 167).

پ) معلم/شاگرد: پیش خر بز قشنگه» (Sedghi, 2018, p. 120).

چهار - نابرابر و آشنا (صمیمی):

۴. الف) دایی/خواهرزاده: خوب تف مِدی، ولی خر خودتی!» (Sedghi, 2015, p. 124).

ب) مادر بزرگ/ نوه آگه نمخوای، مِدیَم همان برات پالان دوز اندازهت بگیره برات لباس مخصوص بدوزه (Sedghi, 2013, p. 16).

پ) مادر/فرزند: این دو تا بچه عین کوچی سگا(توله سگ) با هم بازی کنن (Sedghi, 2018, p. 304).

البته همان‌گونه که هایمز هم بیان کرده طبقه‌بندی شرکت کنندگان به گوینده/شنونده دقیق نیست و در این رمان برخی از موارد یافت می‌شود که ناسزا خطاب به زمین یا اشیاء است و گاهی نیز توهین به خود. روی هم رفته، می‌توان گفت که این زبانهنگ در میان افراد سنین مختلف از نوجوان گرفته تا پیر، رایج است. هرچند این گونه زبانی در میان همه اهل زبان شناخته شده است؛ ولی گروه‌ها و طبقه‌های خاص جامعه از جمله معلم، بازاری، پدر و مادر، همسایه و مانند آن بیشتر از آن بهره می‌گیرند و بر عکس گروه‌هایی تلاش می‌کنند خود را از آن دور نگه دارند. در این

داستان، محمد که به عنوان شخصیتی مذهبی معرفی می‌شود، دشنام بر زبان جاری نمی‌کند. این زبانهنگ در میان هر دو جنس پر کاربرد است.

۴. ۱. ۳. هدف

تجزیه و تحلیل رویدادهای گفتاری بیانگر این است که مقوله هدف و نتیجه برای تمایز انواع رویداد بسیار مهم است. دشنام در این مجموعه با هدف‌های گوناگونی انجام گرفته است که از جمله مهمترین این هدف‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نفرت:

۵. «مردا آدم نیستن» (Sedghi, 2013, p. 46).

نفرتین:

۶. الف) «کارد بخوره به اون شکمت» (Sedghi, 2013, p. 449).

ب) «لنت بر دهانی که بی موقع باز شود» (Sedghi, 2018, p. 67).

پ) «خدایا اگر قرار است کسی کانون خانواده مان را از هم بپاشد او را به سزای اعمالش برسان»

(Sedghi, 2015, p. 39).

خشم و عصبانیت:

۷. الف) «بی‌شور نفهم مگه تو مرض داری همساده‌ها ر از خواب بیدار مکنی؟ الآن وقت زنگ

زدن نفهم؟ احمق! دیوانه! بی‌شور!» (Sedghi, 2013, p. 24).

ب) «غلامی گمشو بیرون» (Sedghi, 2018, p. 19).

پ) «تو روح هر چی خروس بی محله» (Sedghi, 2015, p. 55).

تحقیر و تمسخر:

۸. الف) «یک روسری هم سرت مکردی دیگه!» (Sedghi, 2013, p. 18).

ب) «این مگفتی خر زوره؟ اینکه از هیکلش معلومه نون مفت خورده» (Sedghi, 2018, p. 178).

ترحم و دلسوزی:

۹. «نامردا، دو نفر به یک نفر؟» (Sedghi, 2018, p. 130).

تهدید:

۱۰. الف) «بلایی سرت بیارم که به خر بگی دایی!» (Sedghi, 2013, p. 131).

ب) «تو غلط مکنی با اون...» (Sedghi, 2018, p. 65).

پ) «بگو غلط کردم» (Sedghi, 2015, p. 235).

اعتراض:

۱۱. الف) «دلم میخواد بازی کنم. به تو چی؟» (Sedghi, 2013, p. 23).

ب) «پدرسگ این پول به من داد» (Sedghi, 2015, p. 42).

توصیف:

۱۲. الف) «اخلاق عمه بتول سگ شده بود» (Sedghi, 2013, p. 46).

ب) «خانم فضولی که هم سن و سال مامان بود...» (Sedghi, 2018, p. 290).

پ) «بدت نمید یک ماشین با یک راننده کله خر بگیری» (Sedghi, 2015, p. 199).

سرزنش:

۱۳. الف) «توی تنبل بی غیرت بی خاصیت فقط مثل گاو هیکل بزرگ مکنی و روز به روز عقلت

کم مشه. خا من از دست توی احمق نفهم چی کار کنم؟» (Sedghi, 2013, p. 148).

ب) «خاک تو سرت جز اسمت همه را اشتباه نوشته بودی» (Sedghi, 2018, p. 119).

پ) «اصلاً به تو چی؟ هرزه چنه مردمی؟» (Sedghi, 2015, p. 78).

انکار:

۱۴. «من؟ غلط کنم» (Sedghi, 2013, p. 100).

مقابله به مثل:

۱۵. «کره خر خودتی. من نبودم» (Sedghi, 2013, p. 217).

تحییب:

۱۶. الف) «جان مرگ چی با مزه به» (Sedghi, 2013, p. 55).

ب) «این دو تا بچه عین کوچی سگا(توله سگ) با هم بازی کنن» (Sedghi, 2018, p. 304).

پ) «این بچه با اینکه قبلاً احمق بود و هنوز هم تو سن خر مستیشه، خیلی خوب شده»

(Sedghi, 2015, p. 48).

هشدار:

۱۷. الف) «به تو چی که لرزیدی؟» (Sedghi, 2013, p. 423).

ب) «هیچ وقت هرزه چنه مردم نباش» (Sedghi, 2015, p. 223).

پ) «پدرسگا خوب نیست با هم دعوا کنین» (Sedghi, 2018, p. 228).

تعظیم:

۱۸. «خرزور بود» (Sedghi, 2015, p. 252).

ندامت:

۱۹. الف) «اجازه غلط کردم» (Sedghi, 2013, p. 135).

ب) «غلط کردم... مشه فیلم در نیاری؟» (Sedghi, 2018, p. 339).

پ) «داداش غلط کردم» (Sedghi, 2015, p. 175).

طنز و خنده:

نویسنده برای خندانندن مخاطب از ابزارهایی مثل تشبیه به حیوانات استفاده کرده‌است:

۲۰. الف) «با شامه‌ای قوی‌تر از سگ توی خواب بوی کمپوت را تشخیص داده بود» (Sedghi, 2013, p. 182).

ب) «خواستم از عمو ابراهیم یک توله سگ بگیرم بزرگ کنم؛ که بی خیال شدم. حالا جاش همین ناصر بزرگ مکنم» (Sedghi, 2018, p. 319).

پ) «سوراخ‌های بینی‌اش مثل گاوهای مسابقه داشتند با سرعت باز و بسته می‌شدند» (Sedghi, 2015, p. 116).

کنایه:

در برخی موارد نویسنده دشنام را در معنای کنایی خود به کار برده‌است، در این جا اگر چه نویسنده از ناسزا استفاده کرده؛ ولی مفهوم ناسزا در آن نهفته نیست.

۲۱. الف) «خودم را به خیریت زدم» (Sedghi, 2013, p. 470). کنایه از نادانی و حماقت.

ب) «خرخونی کنین» (Sedghi, 2018, p. 232). کنایه از زیادخوانی با هدف حفظ کردن نه آموختن.

پ) «تا مرا خر کند» (Sedghi, 2015, p. 235). کنایه از فریب دادن.

بنابر آن‌چه بیان شد، نویسنده کوشیده دشنام را در قالب تحقیر، تشبیه و گاهی کنایه ابزاری برای خندانندن مخاطب قرار دهد؛ ولی در بعضی موارد نویسنده از ناسزا برای بیان خشم و عصبانیت، اعتراض، توصیف، هشدار، انکار و تحجیب استفاده کرده‌است؛ در فرهنگ ایرانی-اسلامی ناسزا امر شایسته‌ای نیست؛ از این جهت، شخصیت‌های مذهبی مانند محمد در این داستان دشنام نمی‌دهند. می‌توان گفت ناسزا اگرچه واقعیت موجود در جامعه است و در فضای موجود در داستان در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ که سطح تحصیلات جامعه کمتر بوده‌است، امری شایع‌تر بوده‌است و نویسنده این وقایع اجتماعی را به تصویر کشیده است و اگرچه استفاده از ناسزا یکی از ابزارهای طنزآمیز کردن نوشته است و گاهی نویسنده راه‌گریزی از آن ندارد؛ ولی در برخی از موارد نیز

ناسزا نقشی در بیان طنز نداشته‌است و به نظر می‌رسد استفاده از این مقدار دشنام در کتاب نوجوان مناسب به نظر نمی‌رسد. نویسنده، حداقل باید به مخاطب نوجوان این موضوع را به نحوی گوشزد کند. صدقی در داستان خود، تا اندازه‌ای این مسأله را به مخاطب بیان کرده‌است و با تغییراتی که در شخصیت نوجوان پدید می‌آید، به صورت غیر مستقیم مخاطب خود را از ناسزاگویی باز می‌دارد.

۴. ۱. ۴. توالی عملکرد

بر اساس آنچه بیان شد، توالی کنش یا کنش‌های گفتاری ترتیب وقایعی است که در یک رویداد ارتباطی رخ می‌دهد و به شکل و محتوای پیام می‌پردازد. اینکه چه چیزی اول، چه چیزی دوم بیان می‌شود، بهره‌گیری دقیق از واژگان، چگونگی بیان آن‌ها و چگونگی بهره‌گیری از واژگان در رابطه با موضوع گفت‌وگو به توالی کنش‌های کلامی مربوط است (Hymes, 1967) ترویکه توالی کنش‌های ارتباطی را شامل نوبت‌گیری و پدیده‌هم‌پوشی - هنگامی که هر دو طرف گفت‌وگو هم‌زمان با هم صحبت کنند یا واکنش نشان دهند - می‌داند (Troike, 1996, p. 138). با توجه به اینکه رویدادهای ارتباطی در متن بسیار است، در این بخش از هر کدام از کتاب‌های این مجموعه یک رویداد به عنوان نمونه تحلیل خواهد شد:

۲۲. رویداد ارتباطی ۱

عذرا خانم در خانه‌شان را باز کرد و آمد توی کوچه، چادر سرش کرده بود که برود از باغ شمسی خانم سبزی بخرد. همین که ما دو نفر را دید که با هم بازی می‌کنیم. با عصبانیت صدا زد: «حمید... باز داری با بچه‌های بی تربیت بازی مکنی که؟! (... حمید با لجاجتی به مادرش گفت: «دلم مخواد بازی کنم. به تو چی؟» عذرا خانم چنان سیلی محکمی به او زد که همه توشله‌هایش از دستش ریخت توی کوچه.
- با همین بچه‌های بی تربیت بازی مکنی که این طور جواب مدی د
حمید با گریه می‌خواست جمعشان کند، ولی عذرا خانم گوش‌هایش را گرفت که زود برود توی خانه (Sedghi, 2013, p. 23).

ابتدا اعظم خانم با عصبانیت بر سر حمید داد می‌زند. حمید پاسخی می‌دهد که توهین به مادر است. وقفه‌ای بین مکالمه انجام می‌گیرد که به حالت سیلی‌زدن شرکت‌کننده (اعظم خانم) ارتباط دارد. ادامه مکالمه و در پایان اعظم خانم با سرزنش حمید او را به داخل منزل می‌برد. در این رویداد، محتوای کلام که توهین است، بر قالب و شکل آن تأثیر می‌گذارد و به صورت واکنش غیر کلامی مادر نمایان می‌شود. سیلی‌زدن واکنشی حرکتی است که نوبت صحبت کردن را از

حمید می‌گیرد. در فرهنگ جامعه ایرانی توهین فرزند به والدین امری ناپسند است و واکنش اعظم خانم در قطع کردن صحبت حمید و سیلی زدن به او و اجازه‌ندادن برای جمع کردن توشله‌ها این مفهوم را به مخاطب منتقل می‌کند که ناسزا به بزرگترها در فرهنگ این جامعه امری پذیرفتنی نیست.

۲۳. رویداد ارتباطی ۲

- کیه؟

- منم!

- خا تو کدوم خری؟

- منم دیگه! محسن.

- تو روح هر چی خروس بی‌محلّه!

- براتان سحری آوردما!

معلوم بود دارد دنبال کلید می‌گردد و حسابی هم بی‌اعصاب است.

- بنذار این آچر (کلید) لامصّب پیدا کنم.

آقا برات هر قفلی را که باز می‌کرد، می‌فهمید یک قفل دیگر هم زده و کلید آن را نیاورده. وقتی بعد از پنج دقیقه در را باز کرد، از شدت خشم و سرما و گرسنگی و تنهایی و عصبانیت می‌لرزید و همه بدبختی‌های عالم را می‌شد در چهره‌اش دید. چشم‌هایش قرمز و موهایش در جهت‌های مختلف شکسته شده بود. انگار حاضر بوده بمیرد؛ اما در تنهایی بیدار نشود. قابلمه غذای سحری را که به او نشان دادم، بوی غذا توی فضا پیچید. پره‌های دماغ آقا برات که به شدت داشت تنگ و گشاد می‌شد، این بو را مستقیماً با حس چشایی و بویایی‌اش گره می‌زد. با ترس و لرز، محض خوشمزه‌بازی گفتم: «بفرمایین! اینم غذای سحری. آن قدر خوشمزه شده که خودم کم مانده بود تو راه همه‌ش بخورم». قبل از اینکه آقابرات چیزی بگوید، صدای الله‌اکبر در تمام کوجه‌های شهر پیچید. آقا برات با استیصال نگاهی به قابلمه و بعد به ساعتش انداخت و با اخم به من نگاه کرد. از قیافه‌اش معلوم بود می‌خواهد مرا از پلک‌هایم آویزان کند. یواش در قابلمه را بستم و امیدوار بودم حالا که اذان شده، آقا برات به خاطر روزه‌داری دیگر به من فحش ندهد. مثل آقای کریمی‌نژاد که راجع من روزه‌دار اشتباه قضاوت کرده بود، من هم راجع به زبان روزه‌دار آقا برات اشتباه قضاوت کردم. محض احتیاط قابلمه را زمین گذاشتم تا سریع‌تر بتوانم فرار کنم (Sedghi, 2015, p. 56).

این رویداد با مکالمه همراه با ناسزای آقا برات شروع می‌شود. با پاسخ محسن مبنی بر اینکه «براتان سحری آوردما!» آقا برات قانع می‌شود که در را باز کند و احتمالاً مکثی در مکالمه انجام گرفته‌است که ناشی از ترس محسن از خشم آقا برات است. در پایان نیز که باز شدن در با صدای اذان همراه می‌شود، مکالمه با ناسزای آقا برات و فرار محسن همراه می‌شود. در این رویداد محتوای کلام بر قالب و شکل آن نیز تأثیر می‌گذارد. ناسزا در موقعیت خشم انجام گرفته‌است و محسن برای اینکه خشم آقا برات را کاهش دهد به خوشمزگی می‌پردازد؛ ولی این مسئله با صدای اذان همراه می‌شود و آقا برات عصبانی‌تر می‌شود. در این بخش از رویداد وقفه‌ای انجام می‌گیرد و محسن امیدوار است که آقا برات دوباره به او فحش ندهد. محتوای توهین آمیز در قالب حرکت غیر کلامی آقا برات مبنی بر دنبال کردن محسن برای کتک زدن نمایان می‌شود که بیانگر توهین آمیز بودن ناسزاهای آقا برات است. آوردن پاره گفته‌هایی مانند فحش ندادن با زبان روزه بیانگر فرهنگ جامعه است که آقا برات آن را نقض کرده‌است.

۲۴. رویداد ارتباطی ۳

مامان با صدایی آهسته گفت: «ملی اینا یکی دو هفته دیگه مرن خانه خودشان. تو با خیال راحت دیگه بشین درس بخوان»

- خسته نباشید. هفته دیگه کنکور دارم. دیگه چه فرقی مکنه؟

- ملی مخواو برگرده سر کارش.

- ناصر چه کار مکنه؟

- مگه مخوان پرستار بگیرن براش.

- من که هفته بعد مرحله اول کنکور مدم، خلاص! خا اون پولی که به پرستار مدن به من بدن. خودم نگهش مدارم.

- تو از بچه متانی مراقبت کنی؟

- اتفاقاً مخواستم از عمو ابراهیم، یک توله سگ بگیرم بزرگ کنم؛ که بی خیال شدم. حالا جاش همین ناصر بزرگ مکنم.

- خا همین حرفه که تو مزنی؟ به سند کنکورم رسیده‌ی، عاقل نشده‌ی، ملیحه بفهمه، از حرفت خیلی ناراحت مشه.

- شوخی کردم..

- آدم با هر چیزی که شوخی نمکنه که! (Sedghi, 2018, p. 319).

در این رویداد ارتباطی، ابتدا مادر مکالمه را شروع می‌کند و بیان می‌کند که ملیحه و دکتر

قرار است به خانه خودشان مشهد بروند. در وسط مکالمه محسن با استفاده از تشبیه، به خواهرزاده خود ناسزا می‌گوید. در پایان، مادر او را از این نحوه سخن گفتن نهی می‌کند و محسن سکوت می‌کند. در این رویداد، محتوا بر شکل تأثیر می‌گذارد. استفاده از تشبیه به حیوانات که ابزاری برای ساخت طنز است در شکل کلام نمایان شده است و با آمدن پاره گفته «شوخی کردم» معنای کلام مشخص می‌شود که قصد محسن توهین نبوده است. استفاده از لهجه بجنوردی نیز در لطافت کلام و شکل آن تأثیرگذار است. نوبت‌گیری در این رویداد رعایت شده است و هیچ‌کدام از گویندگان کلام دیگری را قطع نمی‌کند و هم‌پوشی نیز انجام نگرفته است که این خود نشان‌دهنده این موضوع است که گفت‌وگو در محیطی صمیمی انجام گرفته است و معنای توهین‌آمیز نداشته است و در پایان، هم با نصیحت مادر و سکوت محسن پس از گفتن «شوخی کردم»، این معنا به مخاطب منتقل می‌شود که ناسزا حتی به شوخی هم ناپسند است و این موضوع با فرهنگ ایرانی تناسب دارد.

۴. ۱. ۵. کلید/لحن

کلید یا لحن در نظریه هایمز (Hymes, 1967) طرز گفتن یا نوشتن رویداد ارتباطی است. از آن‌جا که مجموعه آب‌نبات در ژانر طنز نوشته شده است، در این اثر، بیشتر از لحن طنزآمیز همراه با گویش غیر رسمی (لهجه بجنوردی) استفاده شده است که می‌تواند بیانگر تعاملی باشد که با لحن صمیمانه انجام می‌پذیرد؛ البته در برخی موارد نیز لحن جدی و غیر رسمی در این اثر دیده می‌شود.

۴. ۱. ۶. ابزار

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، چگونگی بیان یک گفتمان به دو صورت گفتاری و نوشتاری است. ناسزا در این اثر در قالب گفتاری بیان شده است و فقط در یک مورد ناسزا به صورت نوشتاری نمایان شده است و آن هنگامی است که ملیحه خواهر محسن برگه‌ای بر پشت او می‌چسباند که روی آن نوشته است «این خر به فروش می‌رسد» (Sedghi, 2013, p. 145).

۴. ۱. ۷. قوانین گفتمان

از آن‌جایی که زبان و فرهنگ از هم جدایی‌ناپذیرند، مهم است بدانیم که هنجارهای مکالمه در یک فرهنگ درست و مناسب به کار گرفته شده‌اند. هنجار در این معنا به قوانینی اشاره دارد که برای هر مکان و فرهنگی به کار گرفته می‌شود. در فرهنگ اسلامی، ناسزاگویی عملی ناشایست است و در فرهنگ ایرانی ناسزاگویی کوچک‌تر به بزرگ‌تر کنشی است غیر مودبانه. در این اثر در

برخی موارد هنجارهای گفتمان رعایت نشده است.

۴. ۱. ۸. نوع گفتمان

ژانر طنز در قالب رمان با استفاده از مکالمه و روایت اهداف ارتباطی خود را مشخص می کند. گاهی نیز نویسنده از شعرهای عامیانه برای ناسزا بهره می گیرد مانند: «پسرا شیرن مثل شمشیر دخترا موش ان مثل خر گوش ان» (Sedghi, 2013, p. 180) اتفاقی نیست و نویسنده با استفاده از آن پیام خود را منتقل می کند.

۵. بحث و نتیجه گیری

هایمز استدلال می کند که ارتباط در یک رویداد گفتاری ارتباط نزدیکی با عوامل خارج از زبان مانند موقعیت، شرکت کنندگان، هدف، لحن و مانند آن دارد. در این پژوهش، با بررسی مجموعه «آب نبات صدقی» به این یافته ها دست یافتیم:

- در این اثر از ناسزا بیشتر به عنوان شگرد طنزپردازی بهره گرفته شده است و بر اساس داده های جدول (۱)، مهم ترین انگیزه نویسنده از به کارگیری این زباهنگ، خندانند مخاطب است.

- با بررسی موقعیت داستان روشن شد که داستان در محیط خانوادگی و صمیمانه رخ داده است که در بسیاری از موارد ناسزاها جنبه عادت و شوخی پیدا کرده است. با توجه به اینکه موقعیت بیان ناسزا در توهین آمیز بودن یا نبودن آن نقش مهمی دارد، می توان گفت در بسیاری از موقعیت ها ناسزا جنبه بی ادبی ندارد؛ ولی مواردی هم به چشم می خورد که ناسزا توهین به شمار می آید.

- بررسی شرکت کنندگان، در این رمان نشان می دهد که ناسزاها بیشتر در جمع غیر رسمی و صمیمی انجام گرفته است. در این اثر، شخصیت مذهبی ناسزا نمی گوید که نشان دهنده ارتباط فرهنگ اسلامی در جامعه با به کارگیری این زباهنگ است؛ دیگر شخصیت ها در سنین مختلف و هر دو جنس از ناسزا بهره می گیرند.

- مهم ترین هدف استفاده از ناسزا در این داستان ایجاد طنز است و نویسنده توانسته با استفاده از شگردهایی مانند تشبیه به حیوانات طنز ایجاد کند؛ ولی در بعضی موارد نیز نویسنده از ناسزا برای بیان خشم و عصبانیت، اعتراض، توصیف، هشدار، انکار، تحبیب و مانند بهره گرفته است.

- بررسی توالی عملکردها در این مجموعه بیانگر این است که محتوا بر شکل گفتار تأثیر نهاده است و توالی موجود در کنش های گفتاری در مجموع رخدادی را شکل می دهد که بیانگر فرهنگ جامعه است.

فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء^(س)، سال پانزدهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۴۰۲ / ۱۶۳

- لحن داستان طنزآمیز و عامیانه است و در ژانر طنز نوشته شده است که سبب شده جنبه توهین آمیز ناسزا در این اثر کمتر شود. هنجارهای گفتمان در موارد اندکی رعایت نشده است.

- اگرچه نویسنده ناگزیر است برای واقع‌نمایی داستان خود، زبان رایج در بین طبقه‌های خاص جامعه را به نمایش بگذارد و از سویی دیگر با توجه به رواج ناسزا به‌عنوان شوگر طنزپردازی، صدقی نیز از این شوگر برای خنداندن مخاطب بهره گرفته است؛ ولی با توجه به سن مخاطب و تمایل او به هم‌ذات‌پنداری با قهرمان داستان، به کارگیری ناسزا در داستان نوجوان بر سبک زندگی او تأثیر می‌گذارد. در این اثر گاهی بزرگسالان، شخصیت نوجوان را از ناسزاگویی برحذر می‌دارند؛ ولی به نظر می‌رسد، بهره‌گیری از ناسزا (حتی با زبان طنزآمیز) به‌ویژه توسط همان شخصیت‌های بزرگسال تأثیر منفی بر مخاطب نوجوان دارد. در پایان داستان شخصیت اصلی و نوجوان داستان کمتر ناسزا می‌گوید و نویسنده با ایجاد این تحول در او، به‌صورت غیر مستقیم ناپسندی ناسزا را به مخاطب خود گوشزد می‌کند.

- ناسزاها در برخی حوزه‌های مفهومی مانند حیوانات، فهم و شعور، ناموس، شرم و حیا، اصل و نسب و پدر و مادر شکل گرفته و توهین‌های جنسی در این داستان بنا به ملاحظاتمانند سن نوجوان کمتر است.

فهرست منابع

- افراز بروجنی، مهناز (۱۳۸۹). بررسی ساختار محتوایی و زیبایی واژگان تابو در برخی از داستان‌های معاصر فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهر کرد.
- امید سالار، محمود (۱۳۷۴). «نکاتی درباره فحش و فحاشی در زبان فارسی». *ایران‌شناسی*. شماره ۱۴. صص ۳۴۱-۳۵۰
- پیشقدم، رضا (۱۳۹۱). «معرفی «زباهنگ» به عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ کاوی زبان». *مطالعات زبان و ترجمه*. شماره ۴. صص ۴۷-۶۲.
- پیشقدم، رضا و آتنا عطاران (۱۳۹۲). «نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتاری قسم: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی». *مطالعات زبان و ترجمه*. شماره ۴۶. صص ۲۵-۵۰.
- پیشقدم، رضا و آیدا فیروزیان پور اصفهانی (۱۳۹۶). «تأملی جامعه‌شناختی پیرامون کاربردهای گفتمانی «نمی‌دانم» در زبان فارسی در پرتو الگوی هایمز». *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*. شماره ۱۸. صص ۳۵-۷.
- پیشقدم، رضا و پریا نوروز کرمانشاهی (۱۳۹۵). «ارتباط میان زبان، مذهب و فرهنگ: تحقیق و تدقیق در کارکردهای «حاجی» لقب و وابسته‌های واژه در زبان فارسی». *زبان‌پژوهی*. سال ۸. شماره ۲۰. صص ۲۷-۵۱.

- پیشقدم، رضا و فاطمه وحیدنیا (۱۳۹۴). «کاربردهای «دعا» در فیلم‌های فارسی و انگلیسی در پرتو الگوی هایمز». *جستارهای زبانی*. دوره ۶. شماره ۷. صص ۷۲-۵۳.
- پیشقدم، رضا، آیدا فیروزیان پوراصفهانی و آیلین فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۹). «معرفی زبانهنگ مرگ محوری و شادی گریزی از طریق تفحص در گفتمان‌شناسی «مرگ» در زبان فارسی». *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*. دوره ۲۱. شماره ۴۹. صص ۱۸۱-۲۰۶.
- پیشقدم، رضا، فاطمه وحیدنیا و آیلین فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۳). «نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتار نفرین: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی». *مطالعات زبان و ترجمه*. دوره ۴۷. شماره ۲. صص ۷۱-۴۵.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۸۷). *زبان فارسی معیار*. تهران: هرمس.
- سعادت نژاد، زهرا و محمدرضا فارسیان (۱۳۹۸). «تقویت توانش بینا فرهنگی از خلال متون ادبی. راهبردهای آموزش آن در زبان فرانسه». *جستارهای زبانی*. دوره ۱۰. شماره ۶. صص ۳۷۲-۳۴۵.
- شیخ حسینی، زینب (۱۳۹۹). «طنز و خواننده نهفته در مجموعه آب‌نبات صدقی». *ادب فارسی*. دوره ۱۰. شماره ۲. صص ۱۲۵-۱۴۶.
- صدقی، مهرداد (۱۳۹۴). *آب نبات پسته‌ای*. تهران: چرخ و فلک.
- صدقی، مهرداد (۱۳۹۲). *آب نبات هل‌دار*. تهران: سوره مهر.
- صدقی، مهرداد (۱۳۹۷). *آب نبات دارچینی*. تهران: سوره مهر.
- فرزانی، هومن و مجید طامه (۱۳۹۹). «نام ابزارها و کاربرد و طبقه‌بندی آن‌ها در دشنام‌های فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۱۶. شماره ۳۱. صص ۱۷۳-۲۰۰.
- قربان‌پور آرانی، حسین، عباس زارعی و الهام عربشاهی (۱۳۹۶). «بررسی کارکرد اجتماعی-فرهنگی ماشین‌نگاره‌ها بر اساس مدل قوم‌نگاری زبانی هایمز». *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*. دوره ۱۸. شماره ۳۸. صص ۱۷۷-۲۰۰.
- مدرس خیابانی، شهرام (۱۳۹۲). «بررسی میزان کاربرد دشواژه‌ها در برنامه‌های طنز سیما». *مطالعات سبک زندگی*. شماره ۴. صص ۵۷-۷۶.
- مقصودی، مجتبی (۱۴۰۰). «بازنگری زبانهنگ احترام - محوری در سایه ادب اجتماعی با تحلیل پیکره گفتمان شفاهی بر اساس الگوی هایمز». *جستارهای زبانی*. دوره ۱۲. شماره ۲. صص ۴۱۹-۳۸۵.
- مهرابی، معصومه و بهروز محمودی بختیاری (۱۳۹۹). «زبانهنگ ناسزا در فارسی و معادل‌های ترجمه‌شده انگلیسی براساس الگوی هایمز؛ مطالعه موردی پیکره زبانی رمان دایی جان ناپلئون». *مطالعات زبان و ترجمه*. دوره ۵۳. شماره ۴. صص ۵۹-۳۱.

References

Afraz Borujeni, M. (2011). The Exploration of Content and Linguistic Structure of Taboo Worlds in The Contemporary Persian Stories (Master's thesis).

- Shahrekord University, Shahrekord, Iran [In Persian].
- Culpeper, J. (2011). Impoliteness: Using language to cause offence. (Studies in Interactional Sociolinguistics, 28.) Cambridge: Cambridge University Press.
- Fowler, R. (1996). *Linguistic Criticism*, (2nd ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Ghorbanpoor Arani, H., Zarei, A., Arabshahi, E. (2017). The Socio-cultural Aspects of Bumper Stickers Based on Dell Hymes' Ethnography, 18 (38), 177-200.
- Hymes, D. (1967). Models of interaction of language and social setting. *Journal of Social Issues*, 33(2), 8-28.
- Jay, T. (2000). *Why we curse: a neuro-psycho-social theory of speech*. Amsterdam: John Benjamins Publishing.
- Maghsoudi, M. (2021). Reconsidering Respect Cultuling in the Light of Etiquette through Corpus. 12 (2), 385-419 [In Persian].
- Mehrabi, M., & Mahmoudi Bakhtiari, B. (2021). The Cultuling of "Insult" in My Uncle Napoleon and English Equivalents: A Corpus-Based Study. *Language and Culture*, 53 (4), 31-59 [In Persian].
- Modarres Khiyabani, S. (2013). An analysis of the number of taboos used in the I.R.I.B. Comedy series. *Quarterly Journal of Lifestyle Studies*, 2(15), 57-76. [In Persian]
- Pishghadam, R., & Firoozian Pour Esfahani, A. (2017). A Sociolinguistic Analysis of the Discourse Functions of 'I don't know' in Persian Language: Hymes' SPEAKING Model. *Cultur-Communication Studies*, Volume 18, Issue 37 - Serial Number 69, pp. 7-35 [In Persian].
- Pishghadam, R., & Attaran, A. (2014). A Sociological Comparison of Speech Acts of Swearing: A Case Study of Persian and English Languages. *Journal of Language and Translation Studies*, 46(4), 25-50. [In Persian].
- Pishghadam, R., Firouzian Poresfahani, I., Firouzian Poresfahani, I. (2020). Introducing Cherophobia Cultuling: a Close Look into the Discursive Functions of Death-oriented Terms in Persian Language. *Journal of Culture-Communication Studies*, 21(49), 181-206 [In Persian].
- Pishghadam, R., & Norouz Kermanshahi, P. (2016). Relationship between language, religion, and culture: Research and analysis of the functions of the Hajji and related terms in Persian language. *Zabanpazhuhi*, 20, 27-51. [In Persian].
- Pishghadam, R. (2012). Introduced "Zbahang" as a transformational tool in the culture of mining Language. *Language and Translation Studies*, 4, 47-62. [In Persian].
- Pishghadam, R., et al. (2020). Introducing Cherophobia Cultuling: A Close Look into the Discursive Functions of Death-oriented Terms in the Persian Language. *Cultur-Communication Studies*, 21(49), 181-206. [In Persian].
- Pishghadam, R., et al. (2014). A Sociological Look into Speech Act of Cursing: A Comparison of Persian and English Languages. *Language and Translation*, 2(47), 45-71. [In Persian].
- Saadatnejad, Z., & Farsian, M. R. (2020). Improving Intercultural Competence through Literary Texts and the Strategies of Teaching it in French Language. 10(6), 345-372. [In Persian].
- Sarli, N. G. (2008). Persian Standard Language. Tehran: Hermes. [In Persian].
- Sedghi, M. (2015). Abnabat-e-Darchini. Tehran: Sure-ye Mehr. [In Persian].
- Sedghi, M. (2018). Abnabat-e-Pestei. Tehran: Charkh-o-Falak. [In Persian].
- Sedghi, M. (2013). Abnabat-e-Heldar. Tehran: Sure-ye Mehr. [In Persian].
- Sheykhoseini, Z. (2021). Humor and Implied Reader in Sedghi's Abnabat, *Adab-e-*

Farsi, 10 (2), 125-146 [In Persian].

Troike, M. S. (1996). The ethnography of communication. In *Sociolinguistics and language teaching* (pp. 351-366).

Troike, M. S. (2003). *The Ethnography of Communication* (3rd ed.). Blackwell Publishing.



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).